

بازنشستگی طب سینیایی؟

مثلا می‌گفت در کودکی به بیماری سختی گرفتار آمده، چنان‌که والدینش هم به جهت سختی بیماری و هم ثانوایی در پرداخت هزینه زیند دارو و درمان از علاج او ناامید می‌شوند. اما نیم‌روزی دق الباب شده دکتر لییب وارد خانه می‌شود.

پدر را معاینه کرده از کیف همراهش دارو و دستورات غذایی هم می‌دهد. پدربزرگ چند سکه برای حق ویزیت تقدیم دکتر می‌کند و او هم رد نمی‌کند و می‌گیرد؛ وقتی دکتر لییب می‌رود خانواده متوجه می‌شوند که حکیم بزرگوار به سکه‌های پدربزرگ، چندتایی هم اضافه و زیر تشک مخفی کرده است. بعدا که از او چربی را سؤال می‌کنند، پاسخی می‌دهد که معلوم می‌شود تکرار مکررات است این خیر خواهی! می‌گوید: برخی بیماران فقط با خوردن دارو و غذاهای مقوی خوب نمی‌شوند بلکه باید والدینشان نیز غصه‌ناک و نگران نباشند. دومین دلیلم برای گزینش پزشکی دیدن جوانمردی، جسارت، شجاعت و مهارت بدون ابزار و وسایل پزشکیانی بود که در مناطق جنگی دوران مقابله با صدام، خدمات خود را تقدیم رزمندگان و سربازان جنگ ایران و عراق می‌کردند.

چشمانشان پر از امید بود وقتی ما را معاینه و درمان می‌کردند و بر از جوانمردی وقتی اسیر زخمی را مداوا می‌کردند. سوومین علت انتخاب پزشکی شاید جذابیت منحصربه‌فرد بودن این رشته باشد؛ چیزی که این روزها اولین دلیل بسیاری از دوستان پزشک است و کتمان آن شایسته نگارش منطقی نیست. در سال‌های تحصیل پزشکی بارها از نحوه نگرش و دیدگاه برخی استادان خود به وجود می‌آدمد و پیش خودم فکر می‌کردم آیا روزی می‌آید که من چون آنها باشم؟

مثلا استادی داشتیم که وقتی بیمار را روی تخت معاینه می‌کرد، به هنگام پایش آمدن بیمار از تخت، کشش‌های بیمار را پیش پایین جیمار می‌کرد؛ کاری که بعدا ما دانشجویها سبقت می‌گرفتیم تا استاد خم نشود و خودبه‌خود ملکه ذهن ما می‌شد. اما هرچه پیش رفقیم از غلظت استناداتی چون او که گفتم، کاسته و بر تعداد استناداتی اضافه شد که دغدغه آنها چیزهایی دیگر بود. سال‌به‌سال، از تاسمفر قبل سینیایی کم و بر حجم طبی که بیماری می‌بیند و بیمار نمی‌بیند، اضافه شده است؛ تا امسال در واپسین روزهای گرم تابستان ۱۳۹۷، روزهایی که نوید سالگرد طبیبی را می‌دهد که با نامش روزی به‌عنوان روز پزشک در تقویم‌ها حک شده است. شاید پیشنهاددهندگان این روز خواسته‌اند به پزشک ایرانی یادآور شوند علم باید به‌روز باشد و امروزی اما طبابت باید سینیایی باشد و ایرانی! در طب سینیایی این پزشک است که سراغ بیمارش می‌رود نه بیمار و همراهانی که به‌دنبال دریافت یک پاسخ مجبور باشند اخم و غضب طبیب خویش را تحمل کنند. در طب سینیایی، پزشک هم بیماری را می‌نگرد و هم بیمار را؛ چنانکه بیماری را در مریض جست‌وجو می‌کند و نه مریض را در بیماری؛ این نگرشی است که بیمار با دیدن طبیبش شفا می‌یابد و لحظه‌شماری می‌کند بار دومی هم او را ببیند و فیض بگیرد. در دستان چنین طبیبی، خدا تجلی می‌کند که مسح شود برای ترمیم زخم‌های روح و جان؛ دستانی که صرفا با بیماری دست می‌دهد و انگشت‌های بی‌رمق بیمار را لمس نمی‌کند، کجا جایی برای حلول لطافت الهی دارد؟ دست‌های طب سینیایی، کافر و خدایپرست نمی‌شناسد؛ لمس نبض که صورت گرفت، روح کافر را هم جذب خویش می‌کند که این فقط در توان خداست که همه را بنده و مخلوق خویش می‌داند و در مقام دادرسی و طلب غافیت فرقی بین خداجو و غیر نمی‌گذارد. در روزی که در تقویم ایران، روز پزشک نامیده شده و در آخرین سال‌های دهه ۹۰ و در آستانه ورود به ۱۴۰۰، آنها را نوشتم که با غمی سترگ اعتراف کنم طبابت سینیای را دارند به زور بازنشسته می‌کنند و اندک اندکی که هم علمشان به‌روز است و هم علمشان برگرفته از بوعلی‌ها در حال پرگشودن‌اند. آیا کسی هست مسیر را عوض کند؟

از بلوف تا تهدید

این‌ گروه مدتی قبل از حمله آمریکا به عراق، به هماهنگی سیاست‌های آمریکا علیه عراق و از جمله تماس با مخالفان صدام و مشورت درباره آینده عراق پرداخت و بعد از پایان جنگ، همین گروه از سوی آمریکا نقش تاسیس حکومت جدید عراق را بر عهده داشت. از این جهت تشکیل این گروه را نباید ساده انگاشت بلکه باید آن را گام بعدی در زنجیره سیاست‌های دونالد ترامپ برای تزلزل در دولت ایران تلقی کرد. حفظ امنیت ملی کشور ایجاب می‌کرد دونالد ترامپ در همان فاز مذاکره نگه داشته شود و مانند دوره ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا را به سوی برداشتن گام بعدی هُل دندیم که در سال ۱۳۶۶ خالی‌شدن دست ایران در جبهه‌ها نتیجه‌اش بود و امروز ممکن است شرایط متفاوت‌تری را برای ایران رقم بزند.

... اما کالایشان از پل گمرک نگذشته بود، به آسمان برد. روز گذشته معترضان این سیاست ارزی مقابل دیوان عدالت اداری تجمع کردند. معترضان که طیف وسیعی از تولیدکنندگان و تجار بودند، اعتقاد داشتند کالاهای آنها باید با همان دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی ترخیص شود و دولت نباید آنها را مجبور به پرداخت مابه‌التفاوت کند. در مقابل، موافقان تصمیم دولت معتقد بودند هر وقت جلوی ضرر گرفته شود منفعت است و حالا که این کالاها هنوز وارد کشور نشده است می‌توان همین مقدار کم از ارزشی‌های دولت در ماه‌های گذشته را جبران کرد. در نهایت اما روز گذشته، دولت با اصلاحی در ماده پنج مصوبه قبلی خود، حساب تولیدکنندگان و واردکنندگان مواد اولیه را از باقی واردکنندگان جدا کرد تا از این پس با گروه کوچک‌تری از واردکنندگان معترض روبه‌رو باشد.

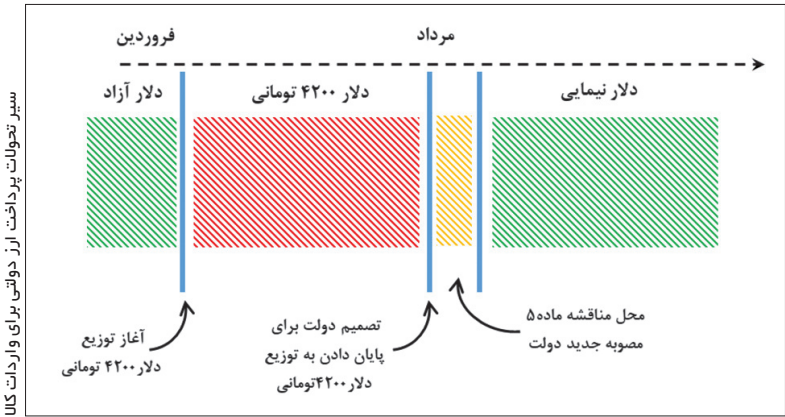
معترضان

مهم‌ترین معترضان بند پنجم مصوبه ارزی دولت، اتاق بازرگانی ایران و تهران بودند. رویگرد اتاق‌های بازرگانی در برخورد با این مسئله پیش‌کشیدن پای تولیدکنندگان و حمایت از تولید ملی بود و بر همین اساس، محور اعتراضات اتاق‌های بازرگانی نیز تلاش برای معاف‌کردن مواد اولیه و کالاهای موردنیاز تولیدکنندگان از این مصوبه بود. محمود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی تهران، هفته گذشته در نامه‌ای به رئیس‌جمهور خواستار اصلاحاتی در این مصوبه شد. به گفته خوانساری تصمیم جدید دولت درباره حذف رانت ارزی چهارهزارو ۲۰۰ تومانی اقدامی منطقی و شایان‌توجه به شمار می‌رفت و البته از مدت‌ها قبل امکان این وجود داشت که نرخ ارز یکسان‌سازی شده و این رانت بزرگ برای همیشه از اقتصاد ایران حذف شود اما این بند از مصوبه دولت آنچنان که رئیس اتاق بازرگانی معتقد بود، مشکلات زیادی برای واحدهای تولیدی ایجاد می‌کرد. به گفته خوانساری، بخش مهمی از این واردات به کالاهای سرمایه‌ای، ماشین‌آلات و مواد اولیه کارخانه‌ها مربوط بود و این اقدام دولت موجب آشفتگی در گمرکات برای تعیین شیوه ترخیص کالا شده و از آن بدتر اینکه واحدهای صنعتی را با مشکل جدی تأمین نقدینگی مواجه می‌کرد. به گفته خوانساری این مصوبه عملا هزینه‌های تولید را به میزان دوربرابر افزایش داده و خلاف موازین اقتصادی و منطقی بود. رئیس اتاق

اقتصاد

معترضان سیاست‌های ارزی مقابل دیوان عدالت اداری تجمع کردند

کشف دلار ۷ هزار تومانی



بازرگانی در همان زمان پیشنهادهایی هم برای اصلاح مصوبه دولت ارائه کرده بود. پیشنهاد اتاق بازرگانی طبق گفته‌های خوانساری این بود که اولاً نظام کنترل و تعیین قیمت سازمان حمایت به‌عنوان تعیین‌کننده قیمت فروش کالا فقط منحصر به آن دسته از کالاها باشد که مواد اولیه یا محصول نهایی وارداتی آن با ارز بانکی خریداری و به کشور وارد شود و ثانیاً در جهت بهبود توان نقدینگی واحدهای تولیدی، آن دسته از واحدهای مذکور که از محل ارز بانکی و تا تاریخ صدور مصوبه موفق به دریافت تخصیص از بانک مرکزی شده‌اند، از شمول پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز به سازمان حمایت معاف شوند. هم‌زمان غلامحسین شافعی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران نیز در نامه‌هایی جداگانه به اسحاق جهانگیری و محمد ناهوندیان، درخواست کرد کالاهای مواد اولیه تولیدی و نیز واحدهای تجاری دارای قرارداد معتبر با واحدهای تولیدی از بند ۵ مصوبه هیئت وزیران معاف شوند. هم‌زمان با تلاش‌ها برای معاف‌کردن واحدهای تولیدی از شمول این مصوبه، دیگر واردکنندگانی که کالاهایشان در گمرک در انتظار ترخیص بود نیز به این مصوبه معترض شدند. اعتراضی که بر مبنای کوتاه‌شدن دست این واردکنندگان بدشانس از رانتی شکل گرفته بود که واردکنندگان دیگر، در طول چند ماه گذشته از آن بهره برده بودند.

معترضان دیگر

اعتراضات واردکنندگانی که کالاهایشان نه مواد اولیه بخش تولید بود، نه کالای اساسی محسوب

تعاونی اعتباری دیگری در مسیر بحران قرار گرفت

پرستاران، قربانی یک تخلف مالی

اما اگر صبر کنید، بعد از چند ماه (تقریباً یک سال) اصل پول را به شما برمی‌گردانیم.
بااین‌حال تعدادی از پرستاران دست به شکایت زده‌اند، اما رسیدگی به آنها زمان‌بر است. یکی از پرستاران می‌گوید: مدیران تعاونی می‌گویند وقتی طلا و ارز گران شد، مردم برای گرفتن سپرده‌های خود اقدام کردند و همین سبب شد در پرداخت وام دچار مشکل شویم. اما این از نظر ما پذیرفته‌شده نیست. گفتیم حداقل فهرست را منتشر کنید، ببینیم چه کسانی پول را پس گرفته‌اند که دچار مشکل شده، اما حتی حاضر به این کار هم نیستند.

پرستاران به تعاونی اعتماد کنند

«شرق» در گفت‌وگو با یکی از اعضای مؤثق سازمان نظام پرستاری که افضضا عضو هیئت‌مدیره این تعاونی نیز هست، از علت این رخداد پرسید. محمد شریفی‌مقدم، رئیس هیئت‌مدیره این تعاونی، می‌گوید: این تعاونی حدود هشت سالی می‌شود که مشغول فعالیت است و تا تیر امسال دچار مشکل جدی‌ای نشده بود، اما از اواخر تیر و به تغییرات صورت‌گرفته در هیئت‌مدیره، به مشکل برخورد.

او در ادامه می‌افزاید: مسائل این تعاونی را می‌توان مرتبط با مسائل

سیاسی، اقتصادی، انتخاباتی و مدیریتی این صندوق دانست.

شریفی‌مقدم می‌گوید: نمی‌توانید نادیده بگیرید که اگر پنج درصد از سهام‌داران هر بانک یا مؤسسه‌ای هم‌زمان درخواست دریافت سپرده خود را داشته باشند، هیچ بانکی قادر به پاسخ‌گویی نیست؛ ولی مشکلات اعضای این مؤسسه بیشتر مربوط به اعضای جدید است که درخواست وام دارند بیشتر کسانی که به وضعیت این تعاونی اعتراض دارند، حدود ۳۰ درصد هستند که یک سال گذشته سپرده‌گذاری کرده و خواستار دریافت وام هستند؛ درحالی‌که بسیاری دیگر از اعضا برای دریافت وام بر آنان مقدم‌اند.

معاون سازمان نظام‌پرستاری ادامه می‌دهد: در سال ۹۶ حدود ۷۶ میلیارد تومان وام به پرستاران پرداخت شده و در سال‌های ۹۵ و ۹۴ به نوبت به ترتیب ۱۸ و ۳۵ میلیارد تومان به سپرده‌گذاران پرداخت شده بود و هیچ تخلفی نیز در گزارش بازرس و حسابرس قانونی نداشتیم و حتی در این گزارش‌ها، بازرس‌های مستقل به تراز مثبت شش‌میلیاردی این تعاونی نیز اشاره کرده‌اند. او توضیح می‌دهد: از ۷۰ میلیارد تومان موجودی این تعاونی ماهانه در حدود چهار میلیارد تومان برگردانده می‌شود و چون منابع ورودی برای پرداخت وجود ندارد، بر اساس تاریخ سپرده‌گذاری اعضا، سپرده‌های اعضا پرداخت می‌شود. حتی برخی از اعضای این صندوق که وام گرفته بودند، حاضر به تهاثر شدند و در حدود دو میلیارد تومان از این طریق به اعضا برگردانده شد.

شریفی‌مقدم تأکید می‌کند: تعاونی اعتبار نظام‌پرستاری در حدود ۹ هزار سهام‌دار فعال دارد. اگر سهام‌داران صبر داشته باشند و به تعاونی اعتماد کنند، کارهای این تعاونی پس از مدتی به حالت عادی برخواهد گشت.

او با اشاره به برخی شایعات مبنی بر کلاهبرداری در این تعاونی می‌گوید: برخی افراد در فضای مجازی و در بین سایر همکاران شایعه اختلاس در این تعاونی را پخش کرده‌اند که کاملاً نادرست بوده و کذب محض است.

وی با بیان اینکه به دلیل نوسانات قیمت ارز، مسکن و حتی طلا، ورودی به تعاونی اعتباری پرستاران امسال کاهش پیدا کرده که این امری طبیعی است، مطرح کرد: فعالیت تعاونی اعتبار اعضای

ارسال شد، مشخص شد هیئت وزیران در تاریخ ۲۴ مردادماه اصلاحاتی را بر بند پنجم مصوبه قبلی خود اعمال کرده است. طبق این تصمیم، ماشین‌آلات، تجهیزات، قطعات یدکی خط تولید و مواد شیمیایی و مصرفی خط تولید و طرح‌های مرتبط با هر یک از دستگاه‌های اجرایی با تشخیص وزارتخانه ذی‌ربط، مواد اولیه وارداتی، قطعات و ملزومات موردنیاز که محصول نهایی آن را ارز رسمی قیمت‌گذاری می‌شود، مواد اولیه دارو، تجهیزات پزشکی و قطعات لوازم یدکی تجهیزات پزشکی و ملزومات پزشکی مشمول قیمت‌گذاری با نرخ ارز رسمی که درحال‌حاضر در گمرکات کشور منتظر ترخیص هستند از پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز معاف شدند. این نامه خبری نیز برای واردکنندگان دیگر کالاها داشت.

بر اساس این تصویب‌نامه، در مواردی که تأمین ارز بابت گشایش اعتبار استنادی، ثبت برات استنادی و حواله ارزی پیش از تاریخ ۱۶ مرداد ۹۷ از طریق بانک یا سامانه نیما پذیره شده ولیکن کالای مربوط ترخیص نشده است بانک عامل موظف است با اخذ تعهدنامه از واردکننده مبنی‌بر پذیرش پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز زمان تأمین تا نرخ ارز بازار (بازار ثانویه)، زمان ترخیص کالا، معادل دوهزارو ۸۰۰ تومان به ازای هر دلار نسبت به صدور اعلامیه تأمین ارز به‌عنوان گمرک جمهوری اسلامی ایران (مجوز ترخیص کالا) اقدام نماید. رفع تعهد ارزی برای این گروه واردکنندگان موکول به ارائه پروانه گمرکی و همچنین پرداخت مابه‌التفاوت مذکور به بانک عامل (و واریر به حساب خزانه‌داری کشور) و داکترتا شش ماه از تاریخ ترخیص می‌باشد. به‌این‌ترتیب طبق مصوبه دولت، واردات این کالاها در نهایت با پذیرش تعهد دلار هفت هزارتومانی (چهارهزارو ۲۰۰ تومان پرداخت‌شده در زمان دریافت ارز به‌علاوه دوهزارو ۸۰۰ تومان پرداخت مابه‌التفاوت) انجام خواهد گرفت.

طبق تصویب هیئت وزیران، در مواردی که به مقناضی از پرداخت مابه‌التفاوت مزبور اجتناب کنند، بانک عامل باید ضمن معرفی واردکننده به سازمان تعاون حکومتی، مراتب را به بانک مرکزی منعکس کرده تا از تخصیص و تأمین ارز برای موارد آتی جلوگیری شود. به‌این‌ترتیب نیز دولت برای واردکنندگانی که حاضر به پرداخت مابه‌التفاوت نیستند خط‌ونشان کشید تا بتواند بر مناقشه موجود میان خود و این واردکنندگان نقطه پایانی بگذارد.

تغییر استراتژی واردات نفت آمریکا و چرخش از عربستان به کانادا

شهریار شیخلر - پژوهشگر اقتصادی

● نفت‌خام مهم‌ترین و پرکاربردترین حامل انرژی در جهان معاصر است که نقشی مهم و حیاتی در تأمین منابع مالی و انرژی کشورهای تولیدکننده و صادرکننده این محصول دارد. هرچند نفت پراثر اکثر این کشورها صرفاً ماهیت اقتصادی دارد، برخی کشورها از جمله عربستان‌سعودی، آن را به عنوان ابزاری مهم برای پشتیبانی و اعمال سیاست‌های خارجی خود به کار می‌گیرند تا از آن در ایجاد و توسعه ارتباط با کشورها با جهت تضعیف کشورهای رقیب یا غیرهمسو در منازعات اقتصادی استفاده کنند. عربستان‌سعودی که با رهبری کشورهای عربی در قطع صادرات نفت به کشورهای غربی در سال ۱۹۷۳، عملاً فصل جدیدی را در استفاده سیاسی از ذخایر انرژی خود آغاز کرده بود، توانست با توسعه سریع صنعت نفت آن کشور و افزایش قابل‌توجه تولید و صادرات نفت خام، جایگاه بی‌بدیلی را برای خود در بازارهای جهانی مهیا کند. در دیپلماسی نفتی عربستان، توجه به کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا یکی از ارکان مهم و حیاتی است تا علاوه بر ایجاد بازار برای فروش نفت صادراتی خود، حمایت‌های خاص کشورهای مذکور را نیز به‌علت وابستگی به نفت‌خام عربستان تضمین کند. روابط نفتی عربستان‌سعودی و ایالات متحده آمریکا عملاً از سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ شمسی) و ورود کنسرسیوم آمریکایی توسعه‌خاور نزدیک (NEEDC) به مجموعه سهام‌داران شرکت نفت ترکیه (ترکیش‌پترولیم) که امتیاز اکتشاف و استخراج نفت از میادین عراق را به‌دست آورده بود، شروع شد. با اضافه‌شدن این کنسرسیوم، نام شرکت نفت ترکیه (TPC) به شرکت نفت عراق (عراق‌پترولیم) تغییر یافت و محدوده اعتبار مجوز فعالیت آن نیز به همه مناطق جداشده از دولت عثمانی از عراق تا عمان (به‌جز کویت) گسترش پیدا کرد. این روابط سپس با ارائه مجوز اکتشاف نفت در محدوده جغرافیایی عربستان به شرکت استاندارد اوپل‌کالیفرنیا در سال ۱۹۳۳ وارد فاز جدیدی شد که با اضافه‌شدن شرکت نفت تگزاس (تکزاکو) در سال ۱۹۳۶ برای حمایت فنی از فعالیت‌های اکتشاف و استخراج آن شرکت، توسعه یافت. این فعالیت‌ها به تأسیس شرکت نفت عربی آمریکایی (آرامکو) در سال ۱۹۴۴ به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های شرکت استاندارد اوپل کالیفرنیا منجر شد. اضافه‌شدن شرکت‌های نفت استاندارد اوپل (که بعدها اکسون نام گرفت) و شرکت نفت سوئنی وکیوم (که نام آن به موبیل تغییر پیدا کرد) به مجموعه سهام‌داران آرامکو در سال ۱۹۴۸ باعث افزایش توان عملیاتی و فنی آرامکو و تعمیق روابط نفتی دو کشور شد. البته این روابط فقط محدود به حضور شرکت‌های نفتی آمریکایی در صنعت نفت عربستان نشد و صادرات نفت عربستان به آمریکا یکی دیگر از پایه‌های مهم این روابط را ایجاد کرد؛ رابطه‌ای استراتژیک که به مرور زمان بر اهمیت آن افزوده شد و زمینه توسعه سایر روابط سیاسی، اقتصادی و… را فراهم کرد. تضعیف این تقابل این رابطه در دهه‌های گذشته، امری پیش‌بینی‌ناپذیر و از ذهن و تحلیل بوده است. جایگاه عربستان‌سعودی در تأمین نفت خام وارداتی ایالات متحده آمریکا از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد همواره به صورت ویژه رو به ترقی بوده است؛ به‌ویژه‌از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی که این کشور به مهم‌ترین تأمین‌کننده خارجی نفت مورد نیاز برای اقتصاد رو به رشد آمریکا که از زمان تبدیل شد، تحلیل سهم عربستان از واردات نفت به آمریکا در بازه زمانی وسیع‌تر نیز مؤید جایگاه این کشور در تأمین انرژی موردنیاز صنعت و اقتصاد آمریکاست؛ جایی که سهم عربستان‌سعودی از نفت وارداتی آمریکا در فاصله سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۹ از ۱۸٫۱۲ درصد برآورد می‌شود درحالی‌که کشور نچریه به ۱۱٫۸۲ درصد و کانادا به ۱۱٫۶۵ درصد در جایگاه‌های دوم و سوم در تأمین نفت وارداتی آمریکا قرار داشته و عملاً فاقد توان کافی برای رقابت با عربستان در تأمین نفت موردنیاز آمریکا یا تهدید جایگاه آن بوده‌اند. در همین بازه، مرکزیک ۱۰٫۹ درصد نفت وارداتی آمریکا و ونزوئلا نیز ۱۰٫۴ درصد آن را تأمین کرده‌اند. نکته مهم اینک روند تغییرات حجم صادرات نفت عربستان به آمریکا، عموماً در راستای تغییرات واردات کمی نفت به آمریکا بوده که نشان‌دهنده هماهنگی سیاست‌های نفتی دو کشور در آن بازه زمانی است. بررسی داده‌های آماری واردات نفت آمریکا و صادرات عربستان‌سعودی به آن کشور در فاصله سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۲ نشان‌دهنده افزایش مصرف کل نفت خام در آمریکا به میزان ۱/۱۸۰/۰۰۰ بشکه در روز (۹۰۴۸ درصد) است که با توجه به کاهش میزان تولید داخلی آن کشور، حجم واردات نفت خام بیش از ۲/۸۳۶/۰۰۰ بشکه در روز افزایش یافته که سهم عربستان‌سعودی از این افزایش، ۱/۱۳۷/۲۵۰ بشکه در روز (یعنی حدود ۴۰ درصد از کل افزایش واردات نفت به آمریکا و تقریباً معادل میزان جبری افزایش مصرف) است که حتی در این افزایش صادرات نیز سهم عربستان بدون رقیب و بی‌همتا بوده است.

اما به نظر می‌رسد که این روندها و هماهنگی در سیاست‌های نفتی بین دو کشور بعد از سال ۱۹۹۳ دچار تغییرات شدید و بعضاً ناهم‌راستایی قابل‌توجه شده که در نتیجه این تغییرات، کانادا جایگزین عربستان‌سعودی در تأمین نفت مورد نیاز ایالات متحده آمریکا شده است.

ادامه در صفحه ۵